

بحث در موضوعات حقوقی

عامل سوء نیت در افترا

که شرط اصلیش وجود همان عامل اضرار است مسئول دانست همچنین نتیجه و زیان حاصله بطرف جرم بهیچ عنوان نمیتواند ملاک وجود جرم تشخیص داده شود بلکه گاه با فقدان هرگونه ضرری وجود گناه ممکن است - و گاه برعکس ضرر حادث ولی گناه وجود خارجی ندارد *

بعلاوه شرط قرار دادن زیان حاصله و شناختن جرم به حدود آن تا اندازه گناه مزبور را دچار تعبیرات و دستخوش فرضیات میکند چه زیان مزبور با توجه باینکه نسبت باشخاص مختلف بسیار متغیر و شدت وضعف دارد گاه اساساً نسبت ببعض افراد قابل تصور هم نیت در عمل مبینیم بسیاری از مردم که فاقد تربیت بوده بحیثیت و شرافت خویش کمتر اهمیت میدهند یا بموجب پاره از عوامل قانونی آنها از دست داده اند یا مجرمین عادی که شغل خود را تبه کاری قرار و در تمام عمر از این راه روزگار میگذرانند فرض زیان حاصله را هم نمیتوانند کرد - بر خلاف ممکن است اشخاص معروف بحسن تربیت و اخلاق واقماً مرتکب جرمی شده و با مهارت کامل در محرز دلائل و آثار قویه خود را از تعقیب مصون سازند *

همینطور ممکن است شخص امین که اشیائی را با امانت گرفته و بعد قصد تملیک و تصرف میکند با مراجعه امانت گذار بمقامات جزائی « پس از یأس از استرداد مال » ناچار بهجت شکایت تسلیم کامل بودن بان اعتراف میکند - یا برعکس

در اسناد گناه باشخاص که بموجب قانون کیفر عمومی جرم تشخیص شده این مسئله مورد بحث است که شرط اساسی در گناه بودن اسناد مزبور وجود سوء نیت در اسناد دهنده خواهد بود یا خیر؟

بعضی را عقیده بر اینست که قانون کیفر عمومی منصرف از شرط فوق بوده و اصولاً هم صرف اسناد گناه و عمل زشت بشخص با فرض عدم ثبوت قابل تعقیب است چه منظور از جرم دانستن این امر حمایت جامعه و افراد نیک آنست از حمله بی جهت اشخاص و در حقیقت مجازات مزبور برای آشنا کردن مردم و خود داری آنها از تهمت زدن بی جهت باشخاص است از طرف دیگر نتیجه و زیان حاصله بر طرف جرم بوجود یا عدم وجود سوء نیت بکسان است - افراد جامعه نیز باید قبل از آنکه عمل زشتی را بکسی نسبت دهند عواقب سوء آنها در نظر گیرند - اگر با اینحال خواستند بی جهت دامن تقوی و عفت کسیرا لکه دار کنند سزاوار است کیفر آنها ببینند

لکن عقیده مزبور صحیح نیست چه بموجب اصول کلی وقواعد اساسی در حقوق جزائی در برخی گناهان وجود قصد رکن اصلی در تشکیل گناه است - در مورد افترا نیز وجود رکن مزبور شرط حتمی خواهد بود - چه مادام که شخص قصد اضرار بغیر نداشته و در اقدام بعمل خود بهیچوجه نظر سوء و فکر اضرار بغیر ندارد نمیتوان او را بعنوان افترا

مراجعه کننده بمقامات جزائی منحصرأ نفع شخص خود و ترسانیدن طرف و تهدید او بتسلیم مطامع خویش را در نظر گرفته دعوی حقوقی و کاملاً عادی را به لباس جزائی درآورد *

یا اصولاً بانحقوق گناه قرائن و امارات بر علیه شخص بسیار قوی و طوری باشد که طرف جرم را بارتکاب گناه از طرف مظنون قانع ساخته از او شکایت کند بعد در مقام تعقیب و کشف جرم مرتکب اصلی بدست آید.

پس بطوریکه میبینیم در همه موارد بالا از اسناد گناه زبانی حاصل شده ولی عامل مؤثر دیگری که همان قصد اقتراف باشد در بسیاری از حالات نامبرده وجود ندارد و صرف اینکه کسی دیگری را مورد اتهام بکنهائی قرارداد نمیتوان گفت وی مقتری است

بعبارة دیگر بعضی اینکه بیگناهی کسی ثابت یا ناتوانی اسناد دهنده بر اثبات دعوی خویش محقق گردید مقتری بودن او مطلق و غیر قابل تردید نیست بلکه برای چنین شخصی فرصت ابراء خویش و اثبات نبودن هیچگونه قصد سوء در انتساب گناه باقی است

مثلاً در مورد امین امانت گذار حق دارد ظفره های غیر رسمی و قرائن و امارات صحت شکایت خود را تا حدی که حسن نیت و عدم وجود قصد اضرار را ثابت کند آشکار سازد در مورد کسیکه نشانی ها و ادله ظاهری ویرا با احتمال سوء ظن درباره شخص بیگناهی و ادا کرده و بعداً مرتکب اصلی پیدا شده اساساً عنوان اقتراف صدق نمیکند

برخلاف اشخاصیکه برای هتك حیثیت دیگران یا برای رسیدن بحق خویش * منتها بغیر از مجرای عادی که قانون پیش بینی کرده * متوسل بماشین جزائی گشته و معلوم شود شکایت آنها بی اساس است کاملاً عنوان اقتراف صدق میکند

موضوع جنبه جزائی دادن بغالب دعوی بقدری در حال شیوع و بسیر تصاعدی میرود که حتی بعضی آنکه بی اطلاعی بمشورت با مشاورین قضائی و پاره از راهنمایان فنی دادگستری متوسل میگردد فوراً من باب تسریع امر و اخافه و تهدید طرف برای حصول نتیجه راه شکایت بدادسرا و تعقیب جزائی اشخاص پیش آنها گذارده میشود این رویه بسیار زشت و مذموم و بلکه برخلاف مصالح اجتماعی است چه آشنا کردن مردم بماشین جزائی خود موجب ریختن ترس آنها و بلکه معاشرت اجباری بایک محیطی است که بیشتر اشخاص فاسد الاخلاق و پست بآن سروکار دارند و در نتیجه ممکن است این رفت و آمد و اصطکاک با محیط مزبور در اخلاق آنها نیز مؤثر و تمایلات خواب رفته را « که در هر فرد بشر باعمال زشت کم و بیش موجود است » تحریک و بیدار کند بعقیده نگارنده مسئولیت اینکار در درجه اول بعهدده راهنمایان مزبور بوده و باید طبق قانون کیفر عمومی ایران که محرکین و کسانیکه مردم را بار تکاب گناه و ادا می کنند در حکم معاونین جرم گرفته تحت تعقیب و کیفر خویش ترسانند *

دکتر ع. اخوی

پایان